

انسان، طبیعت، طراحی

تعریف طبیعت

آنچه که در پدید آوردن و ساخت آن دخالت نداریم، طبیعت است. طبیعت شامل محیط اطرافمان، از عناصر قابل مشاهده و میکروسکوپی و حتی عناصری است که فقط ردی از وجود آنها را داریم. طبیعت اولین منبع حیات برای زیستن انسان و اولین معلم و الهام بخش اوست.

عوامل مؤثر انعکاس طبیعت در زندگی انسان

انسان از آغاز برای تأمین غذا و سرپناه و دست ساخته های خود از خود منابع طبیعی بهره جسته است. در نتیجه این وابستگی به طبیعت در برداشتها و عقاید انسان تأثیر به سزایی داشته است. آثار به جا مانده از دوران پارینه سنگی تا حال، از نقوش غارها گرفته تا کتابها و دست ساخته ها، سندی از نوع استفاده و نقش طبیعت در زندگی انسانها از همان آغاز در بر دارند.

برخی عوامل در توجه و تأکید انسان بر پدیده های طبیعی اطرافش بیشتر مؤثر بوده و هست.

اهمیت شرایط جغرافیایی

یکی از عواملی که در طی تاریخ در برداشت انسان از طبیعت مؤثر بوده، شرایط جغرافیایی است. این عامل آنقدر مهم بوده است که انسان برای زیستن در شرایط مناسب مسافت های طولانی را در پی آب و هوای مناسب و مراتع و شکارگاه های غنی راه می پیمود. در جهان بی مرز پیش از تاریخ، جستجو برای دستیابی به منابع طبیعی مناسب از مهمترین عوامل مهاجرت و جابه جایی انسان بوده است. چنانچه ورود برخی اقوام به فلات ایران در جست و جوی منابع گسترده و امکانات طبیعت اتفاق افتاده است. از این رو قدیمی ترین تمدن ها در کنار بهترین منابع زیستی مانند رودها، مراتع سرسبز و هوای معتدل به وجود آمدند.

شرایط جغرافیایی در برداشت انسان از طبیعت مؤثر بود، حتی در جایی که وفور نعمت وجود داشت، خطر بلایای طبیعی و حمله حیوانات وحشی همیشه انسان را تهدید می کرد. وحشت از همین حوادث طبیعی بود که انسان عصر نوسنگی را به تلاش برای مهار طبیعت و در این جهت ساخت و پرداخت انواع خدایان و رب النوع ها و ستایش آنها سوق داد.

به واسطه ساخت اعتقادات ماورالطبیعه، معابد، مقابر، مجسمه ها و ... برای پاسداشت آن نیروهای برتر و ارزشها در زندگی اجتماعی انسانها قدم گذاشتند و هنر نیز در راه تثبیت و نمایش آن ارزشها اعم از

ارزشهای اجتماعی، اعتقادی، فرهنگی و آیینی به آفرینش پرداخت و بدین ترتیب پایه های تمدن و فرهنگ بشر را در کنار منابع مهم طبیعت استوار ساخت. آثار هنری از دست سازه ها گرفته تا معماری، عرصه ای هستند که عناصر مهم و مورد توجه از طبیعت در نزد اقوام مختلف را در خود ثبت کرده اند.

شیوه زندگی اجتماعی و معیشت

شرایط جغرافیایی و اقلیم حتی نوع معیشت انسان را تحت تأثیر قرار می دهند. چنانکه بسته به شرایط هر منطقه اشکال مختلف تأمین معاش را می بینیم. در همین راستا نوع تأمین معاش هم در تغییر زندگی اجتماعی انسان بسیار اهمیت می یابد و نیازها و فعالیت های انسان و به تبع آن سازمان های اجتماعی بشر را تغییر می دهد.

دو دوره مهم در تاریخ بر اساس نوع تأمین معیشت :

الف- دوره گرد آوری غذا (شکار- کار غیر تولیدی) : انسان عصر کهن سنگی، عدم یکجانشینی و زندگی کوچرویی

ب- دوره تولید غذا (کشاورزی و دامداری) (اهلی کردن دامها)- کار تولیدی): انسان عصر نوسنگی، زندگی یکجانشینی در روستا و شهر

شروع کشاورزی ، در واقع با شناخت کشاورزی به عنوان شیوه معیشت بود که رفته رفته یکجانشینی ضرورت یافت و اجتماع روستایی به وجود آمد و با تراکم جمعیت و تعدد روستاها، شهرنشینی آغاز گشت.

انسان شهرنشین دارای شغل و فعالیت های متنوع دیگری شد اما حضور پر رنگ طبیعت در زندگی روستایی پایدار ماند .

برای مردم شهرنشین، جنگ ها و پیروزی ها ، آیینها و حکومتها بودند که نحوه تصرف در منابع طبیعی و استفاده از آن را تحت الشعاع قرار می دادند. از این رو آثار هنری در شهرهای تمدن های قدیم با توجه به آنکه سازنده و مصرف کننده آن دارای چه نوع معیشتی است، شکل، مواد و موضوع خاص خود را می یابند.

نگاهی به اسطوره های موجود هر منطقه با در نظر گرفتن معیشت مردم آنجا شاهد دیگر نیست، مانند حضور ایزد ذرت در میان سرخپوستان آرتک که در جای دیگر دیده نمی شود. با این همه بسیاری امیال و آرزوها و موضوعات مشترک در میان اقوام گوناگون وجود دارند.

در پی سلطه بر منابع غذایی و سرزمین های بهتر، بر اثر مهاجرت یا جنگها و ارتباطات بین المللی، آراء و عقاید، فرهنگ و هنر اقوام نیز دستخوش تغییر می شوند.

باستان شناسان اولین اقامتگاه دائمی انسان ابتدایی را سرزمینهای میان دو رود دجله و فرات (بین النهرین) معرفی کرده اند.

انسان در این محل یکجانشین شده و شروع به اهلی کردن حیوانات نمود. انسان آغاز به کشاورزی کرد و زندگی او تماماً در گروی امکاناتی بود که طبیعت برای معاش و ادامه حیات به او میداد و البته هیچ تضمینی برای حفظ و حضور به موقع آنها نبود. ترس از این همه عدم امنیت انسان را متوسل به ماوراء الطبیعه و نیروهای ذهنی ای کرد که به گمانش می توانستند با کنترل طبیعت ناجی او باشند.

نقش اقلیم بر رفتار اجتماعی و نگرش او به عوامل طبیعی و زندگی

آیین و اعتقادات

اصل مهم شرایط مادی و فیزیکی که بر پایه شرایط اقلیمی هم هست در پایه گیری این اعتقادات نقش کلیدی دارند اگرچه که ابتکارات قومی و قبیله ای هم تا حدودی نقش دارند چنانکه اقوام مناطقی با شرایط آب و هوایی مشابه در اعتقادات و آداب رسوم متفاوت بوده اند.

آنچه بیش از همه رد پای عمیق بر هنر انسان در سراسر تاریخ و پیش از تاریخ گذاشته آیین و اعتقادات است که معلول نیازهای او بوده اند.

و این اعتقادات مبنای رابطه انسانها با طبیعت و نگرش آنها به طبیعت بوده اند و در هنر و به ویژه هنرهای تجسمی حتی پیش از اختراع خط، ثبت و ضبط شده و امروز به دست ما رسیده اند.

انسان رها شده در دستان طبیعت بی رحم برای حوادث اطرافش به دنبال توضیحی بود و بنابراین در همه فرهنگ ها موضوعاتی مانند جستجو برای نیروهای برتر خیر، سرکوب نیروهای شر، قربانی دادن، انجام مناسک نیایش و عبادت به اشکال گوناگون اما مشترک بوده است. آدیان و آیین های گوناگون، نقش های متفاوت به نیروهای طبیعت و جانوران بخشیده اند. برای مثال در آیین هندو گاو حیوانی مقدس بوده و کشتن آن منع شده ولی همین گاو در آیین میترایی قربانی مقدسی است که برای انسان کشته می شود.

علم و دانش

مجموعه علوم طبیعی حاصل میل به دانستن و کنجکاوی و کنکاش برخی انسان ها در پدیده های طبیعی بوده و برخی آن را حاصل نیاز انسان به توانمندسازی خود و رفع مشکلات و موانع موجود می دانند. از علوم بسیار معتبر و مهم دوران باستان و چه بسا اولین آن، علم نجوم یا ستاره شناسی است. انسان در علم نجوم برای اولین بار کوشید که پدیده های طبیعت را در ارتباط با یکدیگر مورد بررسی قرار دهد. علمی که آغاز آن تنها با مشاهده طبیعت و تفکر در آن حاصل شد. مانند مشاهده بالا آمدن ماه و در پی آن جزر دریا و حضور برخی ستارگان در برخی از ماه های سال و یا ساعات شب. دریافت ارتباط بین این پدیده ها و زندگی انسان، عرصه علم نجوم را به صحنه زندگی انسان در دریانوردی و مسافرت برای پیدا کردن راه تا پیشگویی حوادث آینده گسترش داد. نجوم از اولین علمی است که انسان بدوی کوشید تا بدان سررشته پیدا کند. امروزه این علم برای عامه مردم، مجهول و بی اثر فرض می شود اما می توان گفت که در گذشته این علم برای عموم مردم از اهمیت بسیار برخوردار بود و منجمان از اهمیت بسیاری نزد مردم و سلاطین و اربابان دین برخوردار بودند. علم مهم دیگری در دوران گذشته، همان شناخت مواد در طبیعت است که به کیمیا یا الکی (Alchemy) معروف بوده و دانشمندان بسیاری با کوشش برای دست یافتن به فرمول تبدیل مواد به طلا تلاش کردند و در این راه مواد بسیاری را شناخته و به دستاوردهای جدید دست پیدا کردند.

در دوران ما اهمیت علمی مثل فیزیک، شیمی، زیست شناسی، جغرافیا و محیط زیست و ... تا بدان پایه رسیده است که گاه مسیر توجه انسان به اهداف آینده را تغییر داده و معارف انسانی اعم از دین، اخلاق و ... را هم تحت الشعاع قرار داده است.

پیدایش جهان

یکی از مهمترین پرسش ها برای انسان، چگونگی پیدایش کره زمین و جهان است. ارسطو فیلسوف یونانی در سال ۳۴۰ قبل میلاد در کتابش موسوم به "بر فراز آسمانها" به کروی بودن زمین اذعان می کند. او اما می پنداشت که زمین ثابت و در مرکز جهان هستی بوده و هشت سیاره دیگر به گرد آن می چرخند. در قرن دوم میلادی این نظر تحت مدلی توسط بطلمیوس به عنوان مدل کیهان شناسی ارائه شد و قرن ها طول کشید که نظریه خورشید مرکزی در منظومه شمسی توسط کپلر و کپرنیک اثبات شود.

تصویر نوین ما از جهان به سال ۱۹۲۴ میلادی برمیگردد با تصویر ارسالی تلسکوپ هابل توسط ادوین هابل، ستاره شناس آمریکایی. او نشان داد که کهکشان ما منحصر به فرد نبوده و کهکشان های بسیاری در فواصل چندین سال نوری با ما وجود دارند و هریک دارای چند صد هزار میلیون ستاره هستند. هابل اظهار کرد کهکشان های بسیاری با سرعت در حال دور شدن از یکدیگر و ما هستند و این یعنی جهان "حادث" و در حال تغییر است.

یکی از فرضیه های مهم در ایجاد جهان، نظریه بیگ بنگ یا همان انفجار بزرگ نام دارد. این نظریه بیان می کند که جهان از انفجار یک توده فوق العاده متراکم و با حجم ناچیز آغاز شده است. این واقعه بین سیزده تا پانزده میلیارد سال پیش رخ داده و کهکشان راه شیری حدود ۱۰ میلیارد سال پیش به وجود آمده است. در ابتدا نور به عنوان سرآغاز کائنات تولید شده و بعد از آن ماده و شاید بعد از حدود دو میلیارد سال بعد از بیگ بنگ، کهکشان ها تازه شکل گرفتند. به عبارتی حدود ۱۳ میلیارد سال پیش، همه انرژی های دنیا یعنی همه آن چیزی که هم اکنون وجود دارد به صورت اصلی ترین ماده تشکیل دهنده انرژی در یک نقطه وجود داشت که این نقطه با انفجاری بزرگ گسست و انرژی خود را به هر سو پخش کرد و به زبان ساده جهان از زمان بیگ بنگ تا کنون در حال انبساط (باز شدن) است. بنا بر همین شواهد عمر زمین را ۴,۵ میلیارد سال پیش بینی کرده اند.

پیدایش انسان بر زمین

از عصر یخبندان در حیات زمین، در دوران مختلف رد پای انسان با شکل های متفاوت او قابل پیگیری است. وجود اسکلت های مختلف به جا مانده و برخی شباهت های میان انسان و میمون، احتمال وجود تکامل انسان از میمون را در نظر برخی از زیست شناسان محقق ساخت. این نظریه در قرن نوزدهم در کتابی تحت عنوان "اصل انواع" از سوی چارلز داروین زیست شناس انگلیسی به سال ۱۸۵۹ میلادی منتشر شد.

داروین بر این عقیده است که: تکامل انواع به واسطه انتخاب طبیعی (بقای اصلح) غیر هدایت شده، پس از آنکه اولین شکل حیات به طور اتفاقی در عرصه زمین شکل یافت، محقق شده است.

شبهه ترین انسان به انسان کنونی، انسان هوموساپینس (*Homo sapiens*) است که به عنوان انسان هوشمند شناخته شده و انسان نوع ما را به وجود آورده و در آفریقا پیدا شد. انسان شناخته شده ماقبل تاریخ زیر نوع هوموساپینس نئاندرتالیس است که احتمال می دهند که نئاندرتالها از ۱۵۰ تا ۲۵ هزار سال پیش هنگام عقب نشینی یخچالها از بین رفته باشند. اینان از نظر فرهنگی به عصر پارینه سنگی مربوط و غارنشین و خانه به دوش بوده و قلمروشان اروپا، آسیای مرکزی و سواحل مدیترانه بوده است. انسان نوع ما به انسان کرومانیون (*Cromagnon man*) مربوط است که ۵۰ تا ۲۰ هزار سال پیش میزیسته و احتمال دارد که با انسان نئاندرتال آمیزش داشته و موجب انقراض نسل ایشان در اروپا شده است. پایان عصر یخ هم زمان است با حرکت انسان جدید از آفریقا به اروپا که با گرم شدن هوا و آب شدن یخ های طبیعی این امر امکان پذیر شد.

تقسیم بندی دوران برای انسان در مناطق مختلف و فرهنگ های مختلف بسته به نحوه استفاده از منابع طبیعت و ابزارها، تقسیم شده و در تمام سرزمین ها از تاریخ مشابهی برخوردار نیست.

عصر پارینه سنگی- کهن سنگی- پالئولتیک

حدود ۲۵,۰۰۰ تا ۱۰,۰۰۰ ق.م، ابزار انسان: سنگ، تأمین معاش و آذوقه: از طریق شکار و جمع آوری دانه، از مشخصات مهم این دوره افزایش تدریجی دست افزارهای سنگی بزرگ و تبر دستی است.

ادوار پارینه سنگی شامل سه دوره پارینه سنگی کهن، میانه و جدید هست. پارینه سنگی قدیم شامل "آغاز پیدایش انسان"، انسان های معروف به راست قامت یا هومو ایرکتوس است که تا حدود ۱۰۰ هزار سال پیش می رسد. از این دوره ساخت ابزارها و سلاحهای ابتدایی آغاز می شود.

در دوران پارینه سنگی میانی انسان نئاندرتال به وجود می آید و تا حدود ۴۰,۰۰۰ سال پیش قدمت می یابد. در این دوران انسان در غارها به سر برده و در ساخت ابزارهای سنگی پیشرفت حاصل می کند. اثر معروف ونوس ویلندورف (اطریش ۱۸-۲۰ هزار سال پیش) و الهه ساویناتو نیز مربوط به همین دوران هستند.

تاکنون قدیمی ترین آثار دوران پارینه سنگی در اروپا شناسایی شده و از برخی غارهای اکتشافی می توان از غار لاسکو در فرانسه، غار کویلون در ایتالیا و غار آلتامیرا در اسپانیا نام برد.

نقاشی این دوره بیشتر در تاریک ترین بخش اعماق غارها و با اهداف جادویی و تسلط بر روح جانور به منظور تأمین معاش صورت می گرفت و این نقاشی ها به اشکال کاملاً طبیعت گرایانه شکل می گرفتند.

عصر میان سنگی: حدفاصل دوره پارینه سنگی و نوسنگی (مزولتیک)

انسان این دوره: هوموساپینس یا انسان هوشمند

به احتمال در این عصر بود که انسان توانست که برای نخستین بار سگ را که در محافظت و شکار به او کمک میکرد، اهلی سازد. برای اولین بار در کنار ابزارهای سنگی، دست ساخته های چوبی را اختراع کرد.

کم رنده و قلم نجاری ساخته و از سورتبه برای حمل و نقل در برف استفاده می کند.

عصر نوسنگی - نئولتیک

۱۰,۰۰۰ تا ۴۰۰۰ ق.م، حدود ۱۰ هزار سال پیش از میلاد، با گرم شدن زمین و ذوب شدن یخ ها، خشکی های زمین به شکل کنونی در آمد و پوشش گیاهی و جانوری تغییر کرد، برای مثال ماموت ها منقرض شدند. این تغییر محیط، زمینه تغییرات فرهنگی و روابط انسان با طبیعت و با انسان های دیگر

شد. در دوران نوسنگی انسان از کلبه های کوچک و پناهگاه ها به ساختن بناهای مستحکم رو آورده و تا پایان دوران نوسنگی این بناها از یک روستا فراتر رفته و به شکل شهر در آمدند. در این زمان انسان به کشاورزی، اهلی کردن دام، دریانوردی، اختراع چرخ و ... پرداخت.

حتی در حدود ۷۰۰۰ سال ق.م در شهر اریحا (واقع در فلسطین امروزی) دیوار و قلاع سنگی برای دفاع از محل سکونت و معیشت خود بر پا کرده بوده است که تا به امروز این کهنسالترین استحکامات ساخته شده به دست آدمی شناخته شده است.

در فرهنگهای بدوی و باستانی عصر نوسنگی هنر و صنعت پدیده ای یکپارچه بودند. انسان نیاز به جمع آوری آذوقه و دانه ها و ... برای کشاورزی و کشتن و پوست کندن حیوانات داشت پس نیاز بود وسایلی برای این امور و ظروفی برای پختن و خوردن تولید شود، از طرفی نیاز به ساخت سرپناه، دوختن و بافتن البسه برای جلوگیری از آسیب پذیری در برابر طبیعت داشت در نتیجه اختلاف جوامع از نظر محیط جغرافیایی و فرهنگی تأثیر چندانی در اصل این نیازمندیها نداشت و تنها تعبیر ذهنی متفاوت سازندگان آنها که نتیجه فرهنگ و تمدنهای مختلف است متفاوت بوده که آن هم بازتابی از موقعیت مکانی و شرایط کار تولیدی آنهاست.

عصر مفرغ (Bronz Age) (۳۵۰۰ تا ۱۱۰۰ ق.م)

این عصر با ظهور تمدن های مصر، خاور نزدیک، چین، هند، ایران هم زمان است. اولین فلزهایی که انسان شناخت، طلا و مس بودند. کاربرد طلا در هنرهای زینتی کاملاً روشن است اما مس در هنر و صنعت و اقتصاد تأثیرگذار بود. از ترکیب مس و قلع، مفرغ از حدود ۳ هزار سال پیش از میلاد به بعد در سراسر خاورمیانه رایج شد.

شناخت فصلها، کشف دانه های گیاهی، تکمیل تقویم برای منظم کردن کشاورزی و برداشت محصول و تبدیل فلزات به ابزار و آلات مختلف مربوط به این دوران است. از پرستش ارواح نیاکان به رب النوع ها و شاه خدایان می گراید از این رو ساختار فرهنگی واجتماعی جدیدی شکل می یابد. ابداع خط از مهم ترین دستاوردهای بشر است که در انتقال دانش و فرهنگ و حفظ آن بسیار اهمیت دارد. در ۳۴۰۰ تا ۳۲۰۰ قبل میلاد توسط سومری ها خط میخی و در آفریقا خط هیروگلیف توسط مصریان ابداع شد.

تعریف تمدن

تمدن در لغت به معنای شهرنشینی است که فقط به معنای اجتماع انسانی در محیط خاصی نیست بلکه مدنیت به معنای نوع خاصی از حیات توسعه و معنوی جوامع است که شامل مجموعه پیچیده ای از پدیده

های اجتماعی قابل انتقال مثل دین ، مذهب، مناسک، اخلاق، زیبایی شناسی و ... می شود که به جنبه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی آن جامعه هم مربوط اند.

سابقه تصویری سنگ نگاره ها و نقوش حیوانی :

انسان اولیه قبل از اختراع خط، خواسته ها و مشاهدات خویش را بر دیواره غارها نقش میکرد، این نقوش مقدمه پیدایش اولین خط بشر ، خط هیروگلیف یا تصویری بودند که نوعی زبان ارتباطی شمرده می شود.

نقاشی های روی دیوار غارها در اکثر مناطق از اسیا تا اروپا شامل حیوانات آن منطقه و صحنه شکار یا گله و چوپان و در موارد بسیاری جای دست انسان است.

دنیای حیوانات به غیر از شکار و استفاده از آنها به انسان اولیه، صنعت و هنر آموخت، عنکبوت بافندگی و پرستو خانه سازی را برای انسان تداعی کردند.

رفتار غریزی حیوانات در پیش بینی حوادث طبیعی و یافتن منابع آب و حیات، سبب این تصور برای انسان شد که حیوانات در ایجاد آنچه مطلوب است یا پیشگیری از بدیها نقش دارند.

حیوانات گاه به عنوان نیا یا توتم در دوران باستان مورد احترام و پرستش قرار گرفته اند.

دسته بندی نقوش حیوانات :

۱- حیوانات نمادین اهلی: دسته ای از آنها منبع تغذیه انسان اند مانند گاو، گوسفند، بز و ... دسته دیگر نقش مهمی در کار و شکار و حمل و نقل داشته اند مثل اسب و سگ و فیل و گوزن و ...

۲- حیوانات نمادین و سمبلیک: به دلیل توانایی و ویژگی های فوق العاده سمبل و نشانه امر مهم دیگری شده اند و حتی سمبل اعتقادی و آیینی اند.

۳- حیوانات مقدس: در حد خدایان مورد پرستش قرار گرفته اند.

برخی از حیوانات علامتی برای عناصر مهم طبیعت و رب النوع مربوط به آن محسوب می شدند مانند پرواز برخی پرندگان که برای مردمان باستان با بارش باران پیوند یافته و نماد باران شدند، ماهی در تمدن آشوری و یا دلفین در کنار میترا به نشانه تولد او از الهه آبها

۴- موجودات مشخصاً اسطوره ای: جانوران اسطوره ای می توانند شامل سه دسته قبل نیز باشند و یا فقط در اسطوره معنا پیدا کنند.

بیشترین نقاشی و حجاری های به دست آمده در ایران یا اروپا (مثلاً فرانسه) تصویر جانورانی اند که در محیط زیست انسان نقش حیاتی داشته اند. این حیوانات در اروپا بیشتر شامل اسب و گاو و در ایران بز کوهی (پاژن) است و این امر شاهی بر اهمیت محیط زیست و منطقه جغرافیایی و اقلیمی در به تصویر آوردن جانوران و اهمیت آنان در فرهنگ و آیین های کهن است.

بز کوهی، پاژن، گل

فراوان ترین نقش یافته شده در سنگ نگاره های ایران، نقش بز کوهی نر با شاخ های بزرگ و کشیده است، غالباً این نقوش در مناطق نزدیک به آب دیده شده که جزو مناطق با برکتند. نقش بز کوهی مانند یک فرشته اسطوره ای و مقدس نگهبان ماه و درخواست کننده آب، زاینده گی و فراوانی در همه جا دیده می شود. بز کوهی شکار بومی ایران بوده از سوی طبقات مختلف از شاه و اشراف گرفته تا مردم کوه نشین و از طرفی شاخ آن برای انسان باستان یادآور هلال ماه است. اهمیت ماه با توجه به رابطه آن با رستنی ها و آب و بارش باران در طبیعت حیاتی است.

اصولاً شاخ مظهر نیروی فوق طبیعی، الوهیت، سلطنت، قدرت، پیروزی، فراوانی گله و محصول، زاد و ولد و باروری است. همچنین مظهر نیروی جان با اصل حیاتی که از سر برمی خیزد. از این رو شاخ های روی کلاه خود یا سرپوش، گویی نیروی مضاعفی می بخشند. ایزدان شاخدار نیز مظهر جنگجویی، باروری و ارباب حیوانات به شمار می روند.

نقش بز کوهی به شکل طبیعی و یا به صورت بالدار در هنر برنزکاران لرستان دیده می شود و در دوره هخامنشی به بالاترین شکوه خود از جهت شکل می رسد. بز کوهی نگهبان درخت زندگی است. در برخی منابع، نگاره بز کوهی نمادی حیوانی از گیلگمش شاه خدای سومری و نیز ارباب حیوانات و نماد آنهایتا، ایزد باران محسوب شده است. تعداد زیادی از آبخوریهای سفالین شوش در هزاره های سوم و چهارم قبل میلاد غیر از حاشیه، نقشی جز بز کوهی ندارند.

در یکی از اسطوره های ایران باستان که به آفرینش انسان مربوط است، داستان روییدن گیاهی با دو برگ (احتمالاً ریواس) به شکل انسان معروف به مشی و مشیانه است. در حوادثی که برای این جفت پیش آمد از شیر بز سبیدی نوشیدند.

به معنی درخواست آب، زاینده گی و فراوانی نعمت